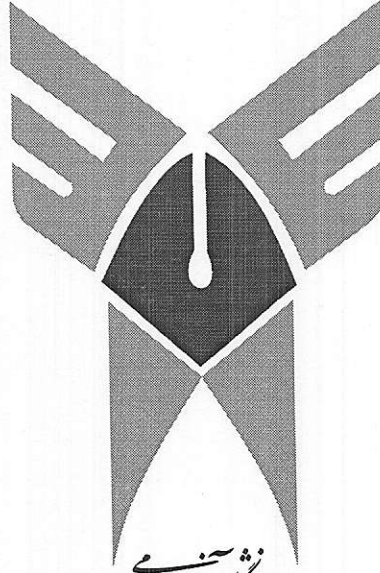


بسمه تعالی



جزوه کلیات حقوق

مفهوم حقوق

اصطلاح حقوق در معانی زیر به کار گرفته می‌شود:

۱. **حقوق عینی:** مجموعه قوانین و مقرراتی که برای تحقق عدالت و رشد مادی و معنوی از سوی مقام صلاحیت داری وضع گردیده‌است.

۲. **حقوق شخصی:** مجموعه امتیازات و قابلیت‌هایی که برای هر شخص به رسمیت شناخته می‌شود و دیگران به رعایت آن مکلف هستند. مثل حق حیات، حق آزادی، حق تعلیم و تربیت و حق مالکیت. این امر در اصطلاح فقها «حقوق» نامیده می‌شود.

۳. **علم حقوق:** دانشی است که درباره قواعد و قوانین حاکم بر جامعه و حقوق و تکالیف اشخاص بحث می‌کند و به تحلیل، ارزیابی و سیر تحول آنها می‌پردازد. به این ترتیب در اصطلاح عام به کسی که دانش حقوق را فرا گرفته باشد، «حقوق‌دان» و در اصطلاح اسلامی «فقیه» گفته می‌شود.

۴. **فن حقوق:** مرز جنبه نظری و عملی در علم حقوق، مرز بین علم حقوق و فن حقوق است. فن حقوق را نزد قضات، وکلا، صاحبان دفاتر اسناد رسمی، مشاوران حقوقی و نویسندگان متون قوانین می‌توان دید.

۵. **قاعده حقوقی:** قاعده‌ای است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود. پس، تکلفی یکه پدر و مادر نسبت به نگاهداری فرزند خود دارند و الزامی که شوهر درباره پرداختن نفقه زن پیدا می‌کند جنبه حقوقی دارد و حکمی که آن را مقرر می‌دارد «قاعده حقوقی» است.

برای قواعد حقوق اوصاف گوناگون شمرده اند، این خصوصیتها عبارت است از:

(۱) قاعده حقوقی الزام آور است؛

(۲) رعایت قاعده حقوقی از طرف دولت تضمین شده است؛

(۳) قاعده حقوقی کلی عمومی است؛

(۴) حقوق نظامی است اجتماعی؛ یعنی هدف آن تنظیم روابط اجتماعی است، نه پاکی روح و وجدان انسان.

مبحث اول : حقوق عمومی و خصوصی

الف) حقوق عمومی: روابط اشخاص با دولت را مشخص میکند و همچنین مجموعه قواعدی است که بر روابط دولت و مأمورین دولتی با مردم، حکومت کرده و تشکیلات و وظایف سازمان های دولتی را تعیین می کند، از قبیل مقررات مربوط به وصول مالیات ها، مقررات مربوط به تشکیلات دادگستری و نحوه دادرسی در محاکم.

ب) حقوق خصوصی: روابط شخص با شخص (دولت هیچ نقشی ندارد، فقط ناظر و رفع اشکال می کند). مجموع قواعد حاکم بر روابط افراد است (تمام اصولی که بر روابط تجارتي و خانوادگی و تعهدات اشخاص در برابر حکومت)

((تفاوت بین حقوق عمومی و خصوصی)) حقوق دانان چند ضابطه برای تفکیک حقوق عمومی و حقوق خصوصی بیان کرده اند که عبارتند از :

۱. معیارهای ماهوی قواعد حقوق عمومی و خصوصی : (الف) قواعد حقوق عمومی امری است یعنی اشخاص با تراضی بین خود نمی توانند از آنها سرپیچی کنند قواعد حقوق خصوصی بر مبنای اراده اشخاص استوار است ب) هدف قواعد حقوق عمومی حمایت از منابع جامعه است لیکن هدف حقوق خصوصی تامین نفع اشخاص است)
۲. ضمانت اجراء : ضمانت اجرای حقوق عمومی و خصوصی یکسان نیست. اگر حقوق خصوصی مورد انکار و تجاوز قرار گیرد، ذینفع می تواند به دادگاه های دادگستری مراجعه و دادخواهی کند، ولی در مورد حقوق عمومی مرجع شکایت خود دولت است که نمی تواند دادرس باشد و خود را برای تجاوز به حقوق دیگران محکوم کند. فرضاً اگر قانونی وضع شود که جریمه توقف ممنوع را به یک صد هزار ریال افزایش دهد، مردم نمی توانند از دولت شکایت کنند که چرا در حالی که پارکینگ عمومی در شهر کم است، جریمه توقف ممنوع را افزایش داده است. این ضابطه نیز مورد انکار قرار گرفته، زیرا سازمان های دولتی را کارمندان دولت، یعنی جمعی از افراد مردم اداره می کنند و این اشخاص در حدود قانون و به نام دولت عهده دار حکومت هستند و اگر از حدود صلاحیت خود خارج شوند و قواعد حقوقی را نادیده بگیرند، قوه قضاییه می تواند آنان را به رعایت قانون و یا جبران زیان های ناشی از کار خود، محکوم کند.
۳. از مطالب فوق الذکر نتیجه می گیریم که حقوق عمومی و حقوق خصوصی آن چنان به یکدیگر نزدیک شده اند که نمی توان در بسیاری از موارد آن ها را از یکدیگر مجزا نمود، ولی معهداً فرق اساسی حقوق عمومی یا حقوق خصوصی را می توان در "اعمال حق حاکمیت" خلاصه نمود، با این توضیح که مفهوم

حقوق عمومی با حاکمیت دولت ملازمه دارد و نمی توان قواعد آن را جدا از اقتدار عمومی تصور کرد. هدف اشخاص در فعالیت هایی که می کنند حفظ منافع شخصی خودشان است، در حالی که منظور از اعمال اداری، حمایت از حقوق عمومی و اجرای حاکمیت است. هرچند که سازمان های عمومی به وسیله افراد اداره می شوند، ولی چون نتیجه کارها به طور مستقیم عاید آنان نمی گردد و هدف آنان از انجام وظایف، اجرای درست قانون و رعایت منافع جامعه است، لذا برای رسیدن به این هدف باید از حق حاکمیت و اقتدار خاصی برخوردار گردند، مانند مامورین وصول مالیات که مالیات را برای خود نمی گیرند، بلکه به نفع بیت المال و برای بهبود وضع مملکت وصول می کنند؛ پس لازم است که از اقتدار خاصی که مربوط به حاکمیت دولت است، در اجرای وظایف خود برخوردار باشند. ولی اگر دولت با ایجاد موسساتی، به کارهای خصوصی که افراد معمولی هم می توانند انجام دهند، پردازد، چون دیگر هدفش اعمال حق حاکمیت نیست لذا رابطه اش با مردم تابع قواعد حقوق خصوصی است. فرضاً بانک ملی ایران چون به کار تجارت می پردازد، لذا در روابط خود با مردم، نمی تواند آنان را مجبور کند که حتماً در بانک ملی پس انداز کنند.

شعبه های حقوق عمومی

۱- حقوق اساسی: اساس یک نظام بررسی می شود. پایه و مبنای حقوق عمومی است زیرا در آن ساختمان حقوقی دولت و رابطه سازمانهای آن با یکدیگر مطرح می شود در این رشته از حقوق شکل حکومت و قوای سازنده آن (مقننه و مجریه و قضائیه) و طرز شرکت افراد در ایجاد قوای سه گانه و حقوق و آزادیهای آنان در مقابل دولت مورد گفتگو قرار می گیرد.

۲- حقوق اداری: این رشته از حقوق درباره اشخاص حقوقی اداری و تشکیلات و وظایف وزارتخانه ها و ادارات دولتی و شهرداری ها و تقسیمهای کشوری و روابط این سازمان ها با مردم گفتگو می کند و به همین جهت با حقوق اساسی رابطه بسیار نزدیکی دارد از مسائل مهم حقوق اداری بررسی سازمان و شیوه رسیدگی و رویه های دیوان عدالت اداری است.

نکته: دیوان عدالت اداری یکی از موضوعات حقوق اداری است. نهادی است که می تواند با تصمیمهای خود پایه ها حقوق اداری اصیل و بومی را در کشور ما بنیان گذارد و ضامن حقوق اشخاص در برابر تجاوز قوه مجریه و مسئولیتهای دولت باشد.

۳- حقوق کار: رابط بین کارگر و کارفرما، چون دولت بین کارگر و کارفرما قانون کار تصویب کرد لذا مربوط به دولت می باشد.

۴- حقوق جزا: بحث این حقوق شناخت انواع جرم ها و مجازات ها است که مجموع قواعدی است که برچگونگی مجازات اشخاص از طرف دولت حکومت می کند در این رشته از حقوق سخن از اعمالی است که به منافع و نظم عمومی زیان می رساند و اثر آن به اندازه ای شدید است که دولت به وسیله اعدام و حبس و غرامت و تبعید خطاکار را کیفر دهد.

۵- آیین دادرسی:

الف) مدنی: شیوه رسیدگی به پرونده های حقوقی.

ب) کیفری: شیوه رسیدگی به پرونده های کیفری.

۶- حقوق مالیه: حقوق مالیه عبارت است از مجموعه قواعد مربوط به وضع مالیات ها و عوارضی که ماموران دولت از مردم مطالبه می کند و همچنین، مقررات ناظر به بودجه عمومی و وظایف دیوان محاسبات.

شعبه های حقوق خصوصی

۱- حقوق مدنی: روابط عادی و روزمره اشخاص در این قانون بحث می شود. مسائل حقوق مدنی را می توان به

چند بخش تقسیم کرد ۱- اشخاص و خانواده ۲- مالکیت ۳- قراردادها و مسئولیت مدنی ۴- ارث

۲- حقوق تجارت: روابط تجاری اشخاص با هم را مورد بحث قرار می دهد، حقوق تجارت نیز بر سه بخش

عمده مطالعه می شود ۱- تاجر و شرکتهای بازرگانی ۲- اسناد و معاملات تجاری ۳- ورشکستگی

۳- حقوق دریایی و هوایی: قواعد مربوط به مالکیت کشتی ها و مسئولیت نافذ حمل و نقل دریایی و

بیمه، خسارات بحری و کشتیرانی در آب های داخلی جزء حقوق خصوصی است. چون اساس حقوق

دریایی تنظیم قواعد حمل و نقل با کشتی های بازرگانی است آن را باید از شعبه های حقوق خصوصی

دانست.

مبحث دوم: حقوق داخلی و خارجی

الف) حقوق ملی یا داخلی: حقوق ملی مجموعه قواعدی است که مربوط به دولت و ملت معینی است و سازمان دولت و رابطه آن را با افراد، همچنین روابط افراد را با یکدیگر، در قلمرو هر کشور، بدون مداخله هیچ عامل خارجی تعیین می کند. حقوق موضوعه هر کشور، حقوق داخلی آن کشور است که بر دولت معین حکومت می کند (معامله دو ایرانی در ایران)

ب) حقوق خارجی یا بین المللی: حقوق بین الملل مجموعه قواعدی است که رابطه دولت را با سایر دولت ها و سازمان های بین المللی، و همچنین روابط اتباع دولت ها را با یکدیگر در صحنه بین المللی تنظیم می کند و برعکس حقوق داخلی که حکومتش محدود به قلمرو کشور معینی است، حقوق بین الملل محدود به دولت و ملت معینی نیست و برای تنظیم روابطی است که یک عامل خارجی در آن مداخله دارد.

حقوق بین الملل به دو شعبه بین الملل عمومی و بین الملل خصوصی تقسیم می شود:

۱- حقوق بین الملل عمومی:

الف) روابط دولت با دولت، مانند: معاهده ایران با دولت آلمان.

ب) روابط دولت با سازمان های بین المللی، مانند: بحث انرژی.

ج) رابطه سازمان بین المللی با سازمان بین المللی دیگر، مانند: ارتباط سازمان بین المللی فائو با یونسکو.

د) روابط بین دولتها و وضع سازمانهای بین المللی را مورد گفتگو قرار می دهد مبنای حقوق بین الملل بر پایه احترام به قراردادهای نهاده شده است و منبع اصلی آن پیمان های بین دول و عرف و عادت و رویه دادگاههای بین المللی است. این رشته، گاه ((حقوق بشر)) نامیده می شود.

باید خاطر نشان ساخت که ضمانت اجرای قواعد بین المللی بسیار ضعیف و ناقص است، زیرا هنوز هیچ نیرویی برتر از اقتدار دولت ها به وجود نیامده تا بتواند آن ها را وادار به اطاعت از قواعد بین المللی نماید و دولت ها فقط به خاطر افکار عمومی جهانیان آن را اجرا می نمایند و بسیار مشاهده شده که اگر دولتی منابع حیاتی خود را در مخاطره بیند، بدون درنگ این گونه قواعد را زیر پا خواهد گذاشت.

۲- حقوق بین الملل خصوصی: مجموعه قواعدی است که روابط افراد در زندگی بین المللی را تنظیم می

کند. یعنی هر جا که روابط افراد از مرزهای یک کشور فراتر رود، قواعد حاکم بر آن را باید در این رشته جستجو کرد، مثلاً اگر یک مرد ایرانی با زنی آمریکایی در فرانسه ازدواج کند، حقوق بین الملل خصوصی مشخص می کند که قوانین کدام کشور بر روابط زناشویی آنان حاکم است. و یا مانند: قرارداد فروش

کالای مورد معامله یک آلمانی با یک ایرانی، و همچنین مسایل تابعیت اشخاص، (پسر ایرانی و آمریکایی)
را در برمی گیرد.

در هر کشوری حقوق ناشی از مقام و قدرتی است که حق وضع قواعد و رعایت آن را دارد و همین مقام است که منبع حقوق نامیده می شود. که منابع حقوق در کشور ما بدین صورت است: ۱- قانون ۲- عرف - ۳. رویه قضایی.

مبحث اول : قانون

الف) تعرف عام: به کلیه مصوبات مجلس و تصویبنامه ها و بخشنامه های اداری.
ب) تعریف خاص: مصوبات مجلس شورای اسلامی و آنهایی که از طریق همه پرسی تعیین می شود.

۱- طبقه بندی قوانین

I **قانون اساسی:** قواعدی که اساس یک نظام را بررسی می کند حق آزادی بیان، دادخواهی. قواعدی که حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادیهای فردی است از نظر ماهوی قانون اساسی نام دارد و برتر از سایر قواعد حقوق است. وظایف قانون اساسی، تعیین حدود اختیار قوه مقننه و رابطه آن با دوقوه مجریه و قضاییه است و مجلس قانون گذاری عادی حق فسخ و تجدیدنظر در آن را ندارد و در همه حال باید از قواعد آن پیروی کند. قانون اساسی را به سادگی نمی توان تغییر داد باید مجلس فوق العاده ای عهده دار این امر شود.

II **قوانین عادی:** که باید مطابق قانون اساسی باشد. قوانین عادی مانند: قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوبات کمیسیون های داخلی، مصوبات همه پرسی، مراجعه مستقیم به آراء مردم، عهدنامه های بین المللی که بین کشورها بسته می شود و باید به تصویب مجلس برسد و بعد به صورت قانون در آید؛ برای محاکم داخل نیز این عهد نامه ها به منزله قانون است ماده ۹ قانون مدنی (مقرات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد می شود در حکم قانون است.) برای اینکه عهدنامه حکم قانون را پیدا کند از طرف دولت به مجلس شورا اظهار شود و تصمیم نهائی را مجلس می گیرد. به عبارت دیگر تمام مقرراتی که با شرایط مندرج در قانون اساسی از تصویب مجلس بگذرد، قانون است و استقرار و اجرای آن منوط است به تأیید شورای نگهبان (مخالف نبودن با احکام شرع و قانون اساسی) و امضاء رئیس جمهور است. همچنین قواعدی که از راه همه پرسی به تصویب ملت رسیده است در شمار قوانین می آید. قوانین عادی را مجالس قانونگذاری به اکثریت آرا وضع می کنند و پس از

امضای رئیس جمهور آن را به اجرا درمی آورد، نسخ این قوانین نیز تشریفات مهمی ندارد و قوه مقننه می تواند با تصویب قانون جدید قاعده سابق را لغو کند.

III احکام و نظامنامه های قوه مجریه که در عرف اداری ما تصویبنامه و آیین نامه و بخشنامه نامیده می شود. قوانین عادی باید از قانون اساسی تبعیت کند و احکام و نظامنامه های دولتی هیچ گاه نباید مخالف قوانین عادی باشد.

۲- تفاوت قانون با آیین نامه و تصویبنامه

- I. قانون از حیث تشریفات وضع آن ناشی از قوه مقننه است و شرایط تصویب آن را قانون اساسی معین می کند ولی، آیین نامه از طرف قوه مجریه وضع می شود و نیازمند تشریفات خاص نیست.
- II. قانون برای تمام مردم و سازمانهای دولتی است و هیچ مرجعی حق الغای آن را ندارد الا خود قوه مقننه، ولی آیین نامه با تصمیم جدید مجریان قابل نسخ است
- III. همچنین اعتبار آیین نامه در صورتی است که مخالف قوانین مجلس نباشد. در صورت مغایرت آیین نامه با قوانین هم دادگاهها و هم هر ذینفعی می تواند ابطال آنها را از دیوان عدالت اداری خواستار شود.

۳- مراحل وضع قانون

- I. تصویب و امضای قانون
- II. انتشار قانون
- III. مهلت اجرای قانون

I. تصویب و امضای قانون

الف) تصویب قانون

طبق ماده ۵۸ ق.ا.ج.ز در موارد رجوع مستقیم به آراء عمومی، قوه مقننه از طریق مجلس شورا وضع قانون می کند. در اصل ۶۹ بین شده است: مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیر علنی تشکیل می شود. مصوبات جلسه غیر علنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد.

گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از بر طرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد. شورای نگهبان حق انشای قانون یا اصلاح آن را ندارد فقط می تواند از نظر تعارض قانون با شرع و اصول اساسی بر مصوبات مجلس نظارت کند نقش آن اعتبار دادن به قانون است. طبق اصل ۹۴ ق.ا. کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است. در صورت اختلاف شورای نگهبان با مجلس شورای مصلحت نظام درباره مصلحت قانون تصمیم می گیرد. (اصل ۱۱۲ ق.ا.)

ب) امضای قانون

طبق اصل ۱۲۳ ق.ا. رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد. رئیس جمهور ظرف مدت ۵ روز باید مصوبات مجلس را جهت اجرا امضا کند و به مجریان ابلاغ کند در صورت استنکاف رئیس جمهور، به دستور رئیس مجلس روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید.

II. انتشار قانون

انتشار قانون لازمه اجرای آن است. قبل از انتشار قانون همه نسبت به آن جاهل هستند. ماده ۳ ق.مدنی مطالعه شود. قانون مدنی ایران مقرر می دارد: قوانین ۱۵ روز پس از انتظار در سراسر کشور لازم الاجرا است مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای اجرا مقرر شده باشد. و این مهلت برای ایرانیان خارج از کشور هم رعایت می شود. و اگر کسی جاهل به قانون مانده باشد و از این طریق متضرر شده باشد، می تواند جهل خود را به قانون در دادگاه ثابت کند و بدین وسیله از امکانات اجرا نکردن آن مصون بماند.

انتشار عهدنامه ها: ماده ۹ - مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است. از مفاد این ماده به خوبی برمی آید که اجرای عهدنامه در دادگاههای داخلی منوط به رعایت تشریفات اجرای سایر قوانین است.

انتشار تصویبنامه ها آیین نامه ها: رعایت تشریفات لازم برای انتشار قانون برای این گونه تصمیم ها ضرورت ندارد و دولت می تواند به هر صورت که مقتضی بداند، مردم را از مفاد آن آگاه سازد. همچنین اگر تصویبنامه ای مربوط به شخص یا سازمان خاص باشد، اعلام تصویبنامه به آن مرجع کافی است و نباید اجرای آن را موکول به اعلان مفاد تصمیم دولت کرد.

III. مهلت اجرای قانون

مهلت اجرای قانون از تاریخ امضای قانون معین می شود، قانون از پانزده روز از تاریخ انتشار روزنامه رسمی بر همه ایرانیان حکومت می کند خواه مقیم ایران یا خارج ایران باشند. اگر کشوری در موقعیتی قرار گرفته باشد که همه ایرانیان مقیم در آن جاهل به قانون باشند کسی که از این وضع زیان دیده است می تواند جهل خود را به قانون در دادگاه اثبات کند بدین وسیله از مکافات اجرا نکردن آن مصون بماند. ممکن قانونگذار خود مهلتی برای اجرای قانون در نظر بگیرد مثلاً قانونی تصویب شود و مهلت اجرای آن ۴ ماه پس از تصویب یا انتشار آن باشد.

۴- قدرت اجبار کننده و اعتبار قانون: اجرای مصوبات مجلس از طرف قوه اجرائیه بدین صورت انجام می شود:

I. اجرای قانون به طور مستقیم: نخستین وظیفه قوه مجریه در برابر قانون تهیه آیین نامه های اجرایی آن

است، بدون این که بتواند اجرای قانون را بدین وسیله تعطیل یا توقیف کند. هیات وزیران مکلف است، با تدوین آیین نامه های لازم، سازمان های اجرایی قانونی را تشکیل دهد و ماموران لازم را به کار گمارد. در زمینه تخلف در این مورد قانون مجازات اسلامی آمده است: هر یک از مستخدمین دولتی، در هر مرتبه و مقامی که باشند، هر گاه برای جلوگیری از اجرای اوامر کتبی یا اجرای قوانین مملکت یا اجرای احکام یا اوامر دادگاهها و دادرها یا هر گونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد قدرت رسمی خود را اعمال کند، از خدمت منفصل می شود.

II. اجرای آرای محاکم: قوه مجریه مکلف است احکام دادگاهها را در امور کیفری و حقوقی اجرا کند و

نمی تواند به این بهانه که تفسیر دادگاه از قانون درست نیست، از اجرای اوامر آن امتناع کند، در مواردی که اجرای قانون به طور مستقیم با ماموران اداری است، خواه و ناخواه ایشان هم باید قانون را تفسیر کنند: یعنی در موارد اجمال معنی درست آن را تعیین و اجرا کنند. ولی این گونه تفسیرها در برابر حکم دادگاه ارزشی ندارد. اگر مقام های قضایی نظر دیگری را در دعوا خاص انتخاب کنند، ماموران اداری باید آن نظر را محترم شمارند و تفسیر دادگاه را بپذیرند.

III. تغییر آیین نامه ها و تصویب نامه ها با قوه مجریه است. بطور مسلم قوه مجریه می تواند مصوبات خود را در حدود قوانین تغییر دهد.

ارتباط حقوق و دولت بسیار نزدیک است. این نزدیکی آنچنان است که برخی حکیمان تلاش نموده اند آنها را متمایز نمایند. حتی مناسبات عادی و قواعدی که مردم در اجتماع می سازند نیازمند مهر تأیید دولت است. اجرای